از گوشه و کنار ایران

سقوط مرگبار هواپیمای آموزشی در نظرآباد

دانشجوی خلبانی که با یک هواپیمای آموزشی در حال پرواز بود، بر اثر سقوط در شهرستان نظرآباد جان باخت.
مهدی مهرور مدیرکل مدیریت بحران البرز گفت: صبح روز جمعه ۱۹ مرداد ماه، یک هواپیمای فوق سبک آموزشی با دو سرنشین قصد نشستن در فرودگاه آزادی را داشت که با فرود سخت مواجه و دچار حادثه شد. در این حادثه یکی از سرنشینان فوت کرد. خلبان این هواپیمای آموزشی به بیمارستان منتقل شده و متأسفانه سرنشین دیگر فوت کرد.
امیر عباس‌پور، معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان البرز گفت: این هواپیمای فوق سبک آموزشی که صبح جمعه از فرودگاه آزادی نظرآباد به هوا برخاسته بود، در حوالی تالاب صالحیه سقوط کرد. با وجود تلاش یک ساعته امدادگران برای احیای فرد حادثه دیده، وی فوت کرد و حال خلبان نیز وخیم است که برای ادامه درمان به مرکز درمانی انتقال داده شد.

درخواست امداد هوایی برای یافتن دختر ۲ ساله الیگودرزی

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان از درخواست مجوز پرواز اورژانس هوایی الیگودرز و ادامه جست‌وجوها برای یافتن دختر ۲ ساله گمشده الیگودرزی خبر داد.
محمد قدمی به ایرنا گفت: این دختربچه ۲ ساله اهل روستای ده‌سفید بخش مرکزی الیگودرز است که ساعت ۱۵ روز پنجشنبه ۱۸ مرداد در محل ناپدید شده است. پس از بی‌نتیجه ماندن جست‌وجوهای محلی توسط مردم و خانواده، ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه پنجشنبه خبر به هلال احمر گزارش و بلافاصله چهار تیم عملیاتی به منطقه اعزام شد. یک حلقه چاه در روستا وجود داشت که احتمال سقوط کودک می‌رفت، به طور کامل تخلیه شد اما اثری از این کودک در چاه یافت نشد. با وجود استفاده از نیروهای آنست، سگ‌های زنده‌یاب و ادامه عملیات جست‌وجو تاکنون اثری از این کودک یافت نشده است. به همین خاطر درخواست پرواز اورژانس هوایی داده‌ایم تا کل منطقه را از بالا جست‌وجو کنیم.

زن جوان سردسته باند فروش سکه‌های تقلبی بود

زن کلاهبردار که با همدستی سه نفر دیگر یک شبکه ضرب و فروش سکه‌های تقلبی طلا تشکیل داده بود در شهرستان بم شناسایی و دستگیر شد.
بهنام جعفری‌زاده، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان بم گفت: با اطلاع پلیس از اینکه فردی کلاهبردار اقدام به فروش سکه‌های تقلبی طلا (پارسیان) می‌کند بلافاصله مأمورین انتظامی به محل وقوع جرم اعزام و فرد موردنظر دستگیر شد. با انجام تحقیقات تخصصی صحت گزارش تأیید شد و در دستور کار دادستانی قرار گرفت. با انجام اقدامات اطلاعاتی مشخص شد سردسته این باند یک خانم اهل آذربایجان شرقی است. بدین‌ترتیب هویت سه نفر از اعضای دیگر این باند نیز شناسایی و دستور بازداشت آنان صادر شد. در این رابطه با هماهنگی بانک مرکزی تمامی حساب‌های متهمین پرونده مسدود و یک دستگاه خودرو از اعضای این باند توقیف شده است. در بازجویی‌های اولیه متهم به فروش و توزیع سکه‌های تقلبی طلا در استان‌های مختلف کشور و شهرهای کرمان، رفسنجان و بم اعتراف کرده است.

دستگیری مرد معتاد بعد از قتل همسرش

مرد معتاد که همسرش را داخل خودرو به قتل رسانده و جسدش را کنار خیابان انداخته بود، دستگیر شد.
سرهنگ پیمان فتاحی فرمانده انتظامی شهریار در جمع خبرنگاران اظهار داشت: در پی اعلام یک مورد قتل در فردوسیه شهریار به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، مأموران کلانتری ۲۰ فردوسیه پیگیری موضوع را به صورت ویژه در دستور کار قرار داده و با سرعت به محل حادثه رفتند. با حضور مأموران انتظامی در صحنه، با جسد زنی روبه‌رو شدند و در فاصله ۵۰ متری مقتول به یک دستگاه خودروی ۴۰۵ مشکوک شدند که در بررسی‌ها مشاهده شد درهای خودرو باز و آثار خون در صندلی خودرو مشهود است و مردی نیز در کنار خودرو است.
وی گفت: با تحقیق از این فرد میانسال معلوم شد وی با همسرش به دلیل اختلافات خانوادگی درگیر شده و پس از درگیری لفظی و فیزیکی و کوبیدن سر همسرش به ستون خودرو، او را به قتل رسانده و قصد رها کردن جسدش را داشته که توسط پلیس دستگیر شده است.

مرگ گردشگر در سقوط از آبشار اردیگان

جمعیت هلال احمر استان کرمان اعلام کرد یک گردشگر بر اثر سقوط از دیواره آبشار اردیگان بخش گلزار جان خود را از دست داد.
روابط عمومی جمعیت هلال احمر کرمان روز جمعه اعلام کرد در پی تماس مردمی مبنی بر سقوط فردی از ارتفاع در نزدیکی آبشار اردیگان بلافاصله تیم کوهستان هزار راین برای انتقال مصدوم به محل حادثه اعزام و مأموریت پس از تحویل فرد فوتی به عوامل انتظامی منطقه پایان یافت. براساس این گزارش، عملیات امداد و نجات فرد فوت شده حدود هشت ساعت به طول انجامید است.

آتش زدن جنگل‌های خرم‌آباد به دنبال یک قتل طایفه‌ای

دو طایفه پس از درگیری منجر به قتل، به کشت‌ها و جنگل‌های منطقه رحم نکردند و همه‌جا را به آتش کشیدند.
لطفعلی بیرانوند رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری خرم‌آباد گفت: خانواده مقتول تمام مزارع و کشت‌های خانواده قاتل را آتش زدند و این حریق به جنگل‌ها سرایت کرد و باعث آتش‌سوزی گسترده در منطقه گوشه شهنشاه واقع در جنوب خرم‌آباد شد.
وی با اشاره به اینکه پوشش گیاهی انبوه منطقه و وزش باد کار را برای گروه‌های امدادی سخت کرده بود، افزود: با این حال آتش‌سوزی جنگل‌های منطقه «گوشه شهنشاه» در جنوب این شهر با تلاش نیروهای مردمی و دستگاه‌های مختلف اجرایی خاموش شد.
بیرانوند ضمن قدردانی از زحمات سرهنگ سعید امیری فرمانده یگان حفاظت لرستان که فرماندهی عملیات اطفای حریق را برعهده داشت، عنوان کرد: با هماهنگی دستگاه قضا و نیروی انتظامی افراد خاطی باید در محاکم قضایی جوابگوی این عمل ناپسند خود باشند.

دستگیری عاملان حمله به بیمارستان شهر ری

فرمانده انتظامی شهرستان ری از دستگیری ۵ متهم به درگیری و تخریب بیمارستان هفتم تیر شهرری خبر داد.
سرهنگ محمدقاسم طرهانی، گفت: در پی اعلام درگیری منجر به ضرب و جرح در بیمارستان هفت تیر شهرری مأموران انتظامی به محل اعزام شدند. وقوع نزاع و درگیری با سلاح سرد بین تعدادی از اراذل و اوباش موجب ایجاد تنش و سلب آسایش بیماران و کادر درمانی در این مرکز درمانی و برهم زدن آسایش و امنیت شهروندان شده بود که بلافاصله تیمی از مأموران پلیس در سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی شهرستان ری اقدامات تخصصی خود را آغاز کردند و در نهایت مشخصات پنج متهم که عامل اصلی درگیری بودند، شناسایی شدند. با هماهنگی مقام قضایی تیم‌های عملیات به محل اختفای متهمان در جنوب تهران اعزام شدند و در چندین عملیات جداگانه متهمان را دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند.

محاکمه شوهر به اتهام قتل همسر دوم

گروه حوادث-کامران علمدهی/ مردی که متهم است پس از قتل همسر موقتش وی را چند روز در تابوت نگه داشته بود در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد که منکر اتهامش بود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۲۰ شهریور سال ۱۴۰۲ مرد جوانی در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی مدعی شد که چند روز قبل همسر صیغه‌ای‌اش به نام مریم را به قتل رسانده و جسدش را زیر تخت پنهان کرده است.
پس از آن مأموران به محل اعلام شده که خانه‌ای در شهر قدس بود، رفتند و جسد زن جوان را داخل تابوت و زیر تختخواب در حالی کشف کردند که چند روزی از قتل گذشته و جسد بوی تعفن گرفته بود. جسد به دستور مقام قضایی به پزشکی قانونی منتقل و مرد میانسال در همان محل بازداشت شد و به قتل همسرش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا به مأموران گفت: ۲۰ سال قبل با زنی ازدواج کردم و از او فرزند هم دارم. اما ۱۳ سال قبل با مقتول آشنا شدم که او هم یک پسر از همسر سابقش داشت. بعد از مدتی به خاطر علاقه‌ای که بین ما ایجاد شد، او را صیغه کردم و چند روزی در هفته به خانه‌اش می‌رفتم. اما مریم زن بداخلاقی بود و سر هر موضوعی فحاشی می‌کرد.
روز حادثه مشروب خورده بودم و حالت طبیعی نداشتم که به خانه مقتول رفتم. نمی‌دانم از کجا عصبانی بود که به یکباره شروع به فحاشی کرد و به زن و بچه‌هایم ناسزا گفت. اول سعی کردم او را آرام کنم اما همسرم دست بردار نبود. آنها را نفرین کرد که عصبانی شدم و هُلش دادم و به دیوار خورد، بعد عصبانی‌تر شد و به فحاشی‌هایش ادامه داد و با داد و فریاد تهدیدم کرد که عکس‌های دو نفره‌مان را برای همسرم می‌فرستد و من هم برای اینکه ساکتش کنم، گلویش را فشار دادم و او را روی تخت انداختم و از خانه‌اش بیرون رفتم. یکساعت بعد به آنجا برگشتم و دیدم فوت کرده و دیگر کاری از دستم برنمی‌آید. دو روزی جسد روی دستم مانده بود که رفتم تابوت خریدم و جسد را با نایلون بسته‌بندی کردم و داخل تابوت گذاشتم و آن را زیر تختخواب جاسازی کردم. خواهرش هم چند باری با من تماس گرفت و پیگیر او بود و من هربار او را دست به سر می‌کردم. تا اینکه برادرش تماس گرفت او هم دنبال خواهرش می‌گشت. می‌خواستم ماجرا را برایش بگویم اما نتوانستم و بوی جسد آنقدر زیاد شده بود که مطمئن شدم بزودی همه ماجرا را می‌فهمند به همین خاطر خودم با پلیس تماس گرفتم و موضوع قتل را گفتم. با اعترافات صریح متهم، وی صحنه جرم را بازسازی کرد و با تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه پدر و مادر مقتول درخواست قصاص کردند.
پس از آن پسر نوجوان مقتول به جایگاه رفت و گفت: از زمانی که به خاطر دارم، رابطه متهم و مادرم خوب بود و او همیشه به من و مادرم محبت می‌کرد اما وقتی فهمیدم او مادرم را کشته، تعجب کردم. با این حال درخواستم قصاص اوست.
سپس متهم به جایگاه رفت و ضمن رد اتهام قتل به قضات گفت: از همان زمانی که با مقتول صیغه کردیم رابطه خوبی داشتیم و حتی من خرج فرزند معلول او را هم که در یک مرکز نگهداری افراد معلول بود، می‌دادم. روز حادثه وقتی وارد خانه‌اش شدم، مست بودم و او هم قرص مصرف کرده بود. من قبول دارم که هُلش دادم اما مصرف بی‌رویه قرص‌ها باعث مرگش شده بود. به همین خاطر من اتهامم را قبول ندارم و بی‌گناه متهم به قتل شده‌ام.
قاضی از متهم پرسید: چرا تابوت خریدی و جسد را بسته‌بندی و جاساز کرده بودی؟
متهم جواب داد: من تابوت نخریدم و جسد را هم بسته‌بندی نکرده بودم. فقط وقتی دیدم او فوت کرده، از ترسم جسد را زیر تخت گذاشتم.
در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

دادگاه خانواده

طلاق به خاطر سفارش کارت عروسی باسلیقه خواهر داماد

گروه حوادث/ نوعروس وقتی متوجه شد خواهر شوهرش بی‌خبر از او کارت عروسی‌اش را تغییر و کارت دیگری سفارش داده برای طلاق به دادگاه خانواده رفت.

ساعت حدود ۱۱ صبح بود و ازدحام جمعیت و گرمای هوا در آن صبح تابستانی مراجعه کنندگان به دادگاه خانواده را دچار بی‌حوصلگی مضاعفی کرده بود، به حدی که هر طرف سر می‌چرخاندی دو یا چند نفر در حال بحث و دعوا و درگیری بودند. در میان این هیاهوی کسالت بار زوج جوانی نیز گوشه‌ای ایستاده و در انتظار رسیدن نوبت رسیدگی به پرونده‌شان بودند. دختر جوان با یک کارت صورتی گلدار که ربان‌های بنفشی ازآن آویزان بود خودش را باد می‌زد. پسر جوان نیز گهگاه به آرامی او را صدا می‌کرد و وقتی بی‌توجهی دختر را می‌دید سری به نشانه تأسف تکان می‌داد. در همین موقع منشی شعبه آنها را به داخل صدا کرد. میثم و لطیفه روی صندلی مقابل قاضی نشستند. میثم درباره علت حضورشان گفت: جناب قاضی من همسرم را دوست دارم و نمی‌خواهم طلاقش دهم اما او اصرار دارد که جدا شویم. ما حدود ۶ ماه قبل عقد کردیم نسبت دوری با هم داریم و وقتی با هم عقد کردیم قرار بر این شد که بعد از ماه صفر با هم ازدواج کنیم اما حالا که نزدیک تاریخ عروسی شده، می‌گوید باید جدا شویم.
قاضی به دختر جوان گفت: دخترم علت درخواست جدایی شما چیست؟ لطیفه که یک کارت عروسی در دست داشت گفت: همین کارت عروسی.
قاضی گفت: یعنی چی؟ بیشتر توضیح د هید .
نوعروس که لحنی عصبانی داشت گفت: من وقتی عروس این خانواده شدم از همان اوایل رفتارهای خواهرش با من برایم عجیب بود. احساس می‌کردم حسادت کودکانه‌ای به من دارد و البته نفوذ زیادی روی برادرش که همسر من است. از همان اوایل من هرچه می‌گفتم با من مخالفت می‌کرد و سعی داشت نظر خودش را به من و برادرش تحمیل کند. میثم هم که بدون چون و چرا حرف خواهرش را می‌پذیرفت. ماه‌های اول فکر می‌کردم هرچه زمان بگذرد شرایط بهتر می‌شود اما اشتباه کردم چون هر چه بیشتر گذشت وضعیت بدتر و روابط ما تیره‌تر شد. به خصوص وقتی به روزهای عروسی نزدیک‌تر شدیم این اختلافات بیشتر نمایان شد.
لطیفه گفت: این یک رسم و سنت قدیمی است که عروس و داماد خودشان باید درباره جزئیات مراسم تصمیم بگیرند و نظر بدهند اما در مورد من این خواهر شوهرم است که مدام نظر می‌دهد.
روزی که برای خرید لباس عروسی رفتیم من از یک لباس خوشم آمد اما خواهر شوهرم لباس دیگری را انتخاب کرد و بعد هم با هزار دلیل او را قانع کرد که من نباید آن لباس را بپوشم. آن روز کلی با هم دعوا کردیم و شوهرم قول داد دیگر به حرف خواهرش گوش نکند. اما باز هم این موضوع سر انتخاب تالار، منوی غذا، جزئیات مراسم و انتخاب آرایشگاه تکرار شد.
با این حال من هربار کوتاه آمدم تا اینکه سر انتخاب کارت عروسی دیگر تحملم تمام شد. جناب قاضی من و میثم برای سفارش کارت عروسی با هم به چند فروشگاه سرزدیم و در نهایت من یک کارت زیبا انتخاب کردم اما چند روز بعد وقتی کارت‌ها به دستم رسید از تعجب خشک شدم. اول فکر کردم اشتباهی رخ داده اما وقتی میثم با کلی مقدمه چینی و ترس و لرز گفت که این کارت‌ها سفارش خواهرش است و او با سلیقه خودش این کارت‌ها را به جای کارت‌هایی که من می‌خواستم سفارش داده، دنیا روی سرم خراب شد و فهمیدم نمی‌توانم به زندگی با این مرد ادامه دهم چون او هیچ اراده‌ای از خودش ندارد و نمی‌تواند روی حرف خواهرش حرف بزند به همین خاطر تا اول راه هستیم بهتر است جدا شویم.
بعد از شنیدن این حرف‌ها قاضی رو به میثم کرد و گفت: همسرت درست می‌گوید؟
میثم هم من کنان گفت: بله ولی در این حدی که ایشان می‌گوید نیست. خواهرم دختر خوش‌فکر و با سلیقه‌ای است و همه خانواده در کارهای‌شان از او نظر می‌خواهند و کمک می‌گیرند همیشه هم انتخاب‌هایش درست است. منتهی لطیفه لجبازی می‌کند. خواهرم که برای ما بد نمی‌خواهد ولی همسرم از او کینه به دل گرفته و قضیه را بزرگ کرده است. خواهر من چیزی نگفت فقط گفت این کارت عروسی قشنگ‌تر است من هم قبول کردم همین موضوع سبب شد تنش بین ما ایجاد شود و لطیفه بحث و دعوایی با خواهر من راه انداخت که دودش به چشم من رفت. آقای قاضی مگر می‌شود من با خانواده‌ام بحث و دعوا کنم!
در همین موقع دختر جوان با تندی گفت: جناب قاضی میثم نمی‌تواند مقابل دخالت خانواده‌اش بایستد من از دخالت کردن بدم می‌آید حتی خانواده خودم و خواهرانم در این موارد به من نظری ندادند چون اخلاق مرا می‌دانند اما میثم اراده ندارد آنها از اول هم در مورد همه مسائل زندگی‌اش نظر داده‌اند و دخالت کرده‌اند و این برایش عادت شده است.
میثم گفت: من با کمک خانواده‌ام به اینجا رسیده‌ام، اگر کمک‌های آنها نبود من نمی‌توانستم کار و کاسبی راه بیندازم و ازدواج کنم. چطور می‌توانم حالا به آنها بگویم شما دیگر دخالت نکنید چون من زن دارم و همسرم دوست ندارد شما در کارهای ما دخالت کنید. الان هم به همسرم گفتم به خاطر رفتار نامناسبت از خواهرم عذرخواهی کن اما او بیشتر ناراحت شد و تصمیم به طلاق گرفت.
لطیفه ناگهان از کوره در رفت و گفت: من هرگز کوتاه نمی‌آیم و هرگز از کسی هم عذرخواهی نمی‌کنم، خواهر بی‌ادب تو باید از من عذرخواهی کند وگرنه طلاق می‌گیرم، مهریه‌ام را هم می‌گیرم و می‌روم.
قاضی که متوجه عمق فاجعه زندگی مشترک این زوج جوان شده بود گفت با این‌طور حرف زدن نمی‌توانید مشکل را حل کنید و من هم به این زودی حکم طلاق را صادر نمی‌کنم. ابتدا باید ۳ ماه به کلاس‌های مشاوره بروید اگر مشکل‌تان حل نشد و نظر مشاور خانواده هم جدایی بود آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم فعلاً بیایید صورت جلسه را امضا کنید، نوبت رسیدگی به پرونده بعدی رسیده است .

امیرحسین صفدری کارشناس حقوقی/ در این پرونده می‌بینیم که لجبازی‌های کودکانه، دخالت خانواده‌ها و مستقل نبودن زوجین باعث بروز مشکلاتی شده است که کار این زوج را به بن‌بست طلاق رسانده است.
مشاهده می‌کنید که این زوج جوان دست به لجبازی‌های کودکانه زده‌اند و حاضر نیستند با ماهیت اصلی زندگی مشترک روبه‌رو شوند، اینکه میثم در برابر اظهارنظرهای خانواده‌اش سکوت می‌کند و بدون هماهنگی با همسرش برای زندگی مشترک تصمیم می‌گیرد یک اشتباه است. میثم باید بداند در زندگی مشترک اولویت او همسرش است و نظر او را همیشه محترم بداند و با ادب با هم رفتار کنند نه اینکه بدون توجه به نظر او کاری انجام بدهد که سبب ایجاد تنش بین آنها شود.
از طرفی لطیفه هم باید قبل از ازدواج راجع به تمام مسائل مهم زندگی مشترک خودش و آنچه که برایش مهم بوده صحبت می‌کرده که متأسفانه با ساده‌انگاری از کنار این موضوع عبور کرده است.
متأسفانه دخالت‌های بی‌جای اطرافیان در زندگی مشترک، امروزه یکی از اصلی‌ترین دلایل فروپاشی کانون گرم خانواده است. زوجین جوان باید بدانند که مشکلات‌شان را خودشان با گفت‌وگوی محترمانه و در کمال ادب و بدون قضاوت یکدیگر حل کنند و اگر جایی متوجه شدند که نمی‌توانند مشکل‌شان را حل کنند از یک فرد متخصص کمک بگیرند و هرگز رازهای زندگی مشترک خود را برای کسی حتی خانواده بیان نکنند چرا که بیان مشکلات زندگی مشترک سبب می‌شود دیگران به خودشان اجازه دخالت بدهند.
با این حال این زوج جوان اگر بخواهند آینده خوبی داشته باشند باید بر پایه صداقت و احترام با هم رفتار کنند و اولویت‌های زندگی مشترک خود را دوباره بازبینی کنند.